

# تصرف سفارت امریکا، زمینه‌ها و عوامل مؤثر

محمد درودیان

اقامت من در الجزایر ملاقات و مذاکراتی را انجام دهم»<sup>۲</sup>. پیش از این نیز امریکاییها از طریق امیرانتظام که به عنوان سفیر در خارج از ایران خدمت می‌کرد خبر ملاقات با برژینسکی را اعلام کرده بودند تا هیئت ایرانی با آمادگی لازم در این جلسه شرکت کند.<sup>۳</sup> مهندس بازرگان در مورد آمادگی برای ملاقات با برژینسکی می‌گوید:

«آقای دکتر یزدی اطلاع داشت و من هم به ایشان گفته بودم که در میهمانی نهار به مناسبت جشن استقلال ترکیه کاردار اطلاع داد که: «شما که می‌روید الجزایر، آقای برژینسکی هم آنجا می‌آید، بنابراین احتمال دارد به ملاقات شما بیاید». این را آقای دکتر یزدی می‌دانست و بعد از ایشان خواهش کردم که مخصوصاً شب قبل از مسافرت خدمت امام برسید، مطالب مختلف و از جمله (یک مرتبه دیگر) این که روابط ما با امریکا چگونه است و چگونه خوب است و ما چه نظری داریم یا ایشان چه فرمایشی دارند صحبت کنید.<sup>۴</sup>

دکتر یزدی در مورد ملاقات با امام و درخواست نظر ایشان در مورد رابطه با امریکا می‌گوید:

«از ایشان (امام) پرسیدم که آیا نظرشان بر قطع روابط با امریکاست؟ ایشان جواب دادند: خیر، با آنها کجدار و مریز رفتار کنید.»<sup>۵</sup>

علاوه بر این، قبل از اعزام هیئت به الجزایر، در شورای انقلاب پیرامون مذاکرات بحث و درخواستهای ایران از امریکا مشخص می‌شود. مهندس بازرگان نیز در مورد موضوع مذاکرات با برژینسکی در الجزایر می‌گوید:

روند شکل‌گیری تصرف سفارت امریکا در واقع حاصل تلاقی دو حادثه متفاوت ولی مهم شامل ملاقات مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، با برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر رییس جمهور امریکا، در الجزایر و دیگری سفر شاه به امریکا بود. بازتاب حوادث یاد شده در کنار روند تحولات سیاسی-امنیتی در کشور، منجر به تشدید نگرانی نسبت به بروز خطرات احتمالی برای انقلاب شده بود. نام‌گذاری این اقدام به عنوان «اشغال لانه جاسوسی» و «انقلاب دوم» بیانگر ماهیت و ابعاد گسترده این رخداد بزرگ تاریخی بود که با بیش از گذشت دو دهه همچنان آثار و پیامدهای آن بر جا مانده است.

تماس دولت موقت با امریکاییها در چارچوب مناسبات دیپلماتیک میان دو کشور به مناسبت‌های مختلف انجام می‌شد.<sup>(۱)</sup> طی این روند و در شهریور سال ۱۳۵۸، وزیر امور خارجه امریکا در مجمع عمومی سازمان ملل از هیئت ایرانی شرکت‌کننده در مجمع، درخواست ملاقات کرد که به گفته وزیر خارجه وقت ایران، این درخواست پذیرفته شد و ملاقات انجام شد. ریاست دو هیئت ملاقات‌کننده به عهده وزرای خارجه دو کشور بود. گزارش این ملاقات در تهران در جلسه مشترک دولت و شورای انقلاب ارائه شد.<sup>۱</sup> مجدداً با مشخص شدن سفر مهندس بازرگان و هیئت همراه به الجزایر از سوی امریکاییها درخواست ملاقات صورت گرفت. مهندس بازرگان در مورد درخواست امریکا می‌گوید:

«دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر کاردار سفارت امریکا در تهران به من اطلاع داد که برژینسکی مایل است هنگام

(۱) مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت در امور ارتباطات خارجی و نحوه نگرش به آن در مقاله‌ای می‌نویسد: پایه‌گذاران، و اعضا و علاقمندان به نهضت آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی، نه تنها با امریکا بلکه با بعضی از کشورهای اروپا و نیز با دولت (زمان شاه) ارتباط‌های کم و بیش پنهانی داشته‌اند. (روزنامه کیهان ۲۰ بهمن ۱۳۵۸). امیرانتظام نیز در دفاعیه خود می‌گوید: تمام مذاکراتی که در این دوران، من چه با حضور مهندس بازرگان نخست‌وزیر، و چه با حضور آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه و چه به تنهایی انجام داده‌ام، بر مبنای سیاست دولت برای حل مسائل از راه مذاکره است و تمامی آنها با اطلاع و تصویب دولت انجام گرفته است (روزنامه کیهان، ۲۰ بهمن ۵۸) به نقل از روزنامه کیهان ۱۳۸۰/۸/۷، مردی که نمی‌خواست انقلابی باشد. پژوهشی از مؤسسه قدر و ولایت، ص ۸.

## روند شکل‌گیری تصرف سفارت امریکا در واقع حاصل تلاقی دو حادثه متفاوت ولی مهم شامل ملاقات مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر رییس جمهور امریکا، در الجزایر و دیگری سفر شاه به امریکا بود

را به عنوان عضوی از شورای انقلاب تکذیب می‌کنم. هرگز شورای انقلاب چه مستقیم و چه غیر مستقیم، چه به دولت و چه به وزیر خارجه نگفته است و نفهمانده است که با امریکا کجدار و مریز رفتار کند. اگر این طور بوده و می‌تواند، باید ثابت کنند. دوم این که شورای انقلاب از این که قرار است هیئت ایرانی در الجزایر با برژینسکی ملاقات کند مطلقاً خبر نداشت.<sup>۹</sup>

برژینسکی در مورد این ملاقات در کتاب خود مدعی می‌شود:

«یک هفته پس از ورود شاه به امریکا، روز اول نوامبر، من در رأس هیئتی از طرف دولت امریکا برای شرکت در جشنهای بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر به آن کشور رفتم. در جریان این سفر بود که مهدی بازرگان نخست‌وزیر ایران، از من تقاضا کرد که دیداری با هم داشته باشیم. من این تقاضا را پذیرفتم و بعد از ظهر همان روز در اطاق هتل بازرگان با وی ملاقات کردم.»<sup>۱۰</sup>

آقای یزدی ادعای برژینسکی را با این استدلال تکذیب می‌کند که اگر ملاقات به درخواست مهندس بازرگان بود پس چرا این ملاقات در هتل محل اقامت مهندس بازرگان صورت گرفت؟<sup>۱۱</sup> همچنین برژینسکی در مورد مذاکرات می‌نویسد:

«من تأکید کردم که امریکانه در صدد توطئه علیه رژیم جدید ایران است و نه چنین توطئه‌ای را تشویق و تقویت می‌کند و افزودم ما آماده برقراری هر نوع مناسباتی هستیم که می‌خواهید... ما منافع مشترکی با هم داریم، ولی نمی‌دانیم که شما می‌خواهید چگونه با هم همکاری کنیم؟ دولت امریکا

«در این مذاکرات موضوع قرارداد های گذشته ایران با امریکا و نیز چگونگی مناسبات دو کشور مطرح شد. نخست‌وزیر گفت: برژینسکی رئوس مطالب طرح شده را برای مشورت با مقامات واشنگتن یادداشت کرد و قرار است پس از انجام این مشاوره رئوس موضوع از طریق کاردار سفارت امریکا در تهران دنبال شود.»<sup>۷</sup>

مهندس بازرگان در اظهارات خود در مورد این ملاقات تنها بر نحوه اطلاع و موضوع مذاکرات با برژینسکی اشاره می‌کند ولی آقای یزدی بر اطلاع امام و نظر ایشان مبنی بر رفتار کجدار و مریز و همچنین اطلاع شورای انقلاب تأکید می‌کند. در مورد اطلاع امام از موضوع ملاقاتها، حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی در مصاحبه‌ای می‌گوید:

«امام ابدأ از ملاقات بازرگان با برژینسکی اطلاع نداشتند. حتی دکتر یزدی پس از مراجعت از سفر نیز جریان را به اطلاع امام نرساند. من در آن ملاقات حضور داشتم فقط راجع به کسالت شاه مخلوع مطالبی معروض داشت و درباره ملاقات بازرگان با برژینسکی صحبتی به میان نیامد.»<sup>۸</sup>

در این مصاحبه حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی در واقع علاوه بر این که تأکید می‌کند امام از اصل موضوع اطلاعی نداشتند<sup>(۱)</sup>، اضافه می‌کند پس از انجام ملاقات نیز گزارش آن به امام داده نشده است. همچنین آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان عضو شورای انقلاب بودند در مورد ادعای دکتر یزدی پیرامون اطلاع شورای انقلاب و نحوه رفتار با امریکا اظهار می‌دارد: «اولاً شورای انقلاب کی و طی چه حکمی به آقای دکتر یزدی گفته بود که با امریکا کجدار و مریز رفتار کند که ایشان این اظهار را کردند؟ من این

(۱) مرحوم آیت‌الله خلیلی در مصاحبه با روزنامه کیهان در مورد عدم اطلاع امام از ملاقات یزدی با برژینسکی به این موضوع اشاره می‌کند که ابراهیم یزدی در پاریس به اسم امام اقداماتی می‌کرد که مورد رضایت ایشان نبود. البته بعدها هم اینها به این کارهای خودشان ادامه دادند. وی اضافه می‌کند: بدون اجازه امام رفتند در الجزایر و با برژینسکی ملاقات کردند که این مسأله را یاسر عرفات به امام اطلاع داده بود. (۸۰/۱۱/۲۸، ص ۷)

## امریکا بر اساس ملاحظات دوران جنگ سرد همچنان نگاه ویژه‌ای به ایران داشت در حالی که از مخاطرات سقوط شاه و گسترش انقلاب در ایران و منطقه نگران بود، لذا ضمن ایجاد، حفظ و گسترش کانالهای ارتباطی با دولت موقت، با ارتقا سطح ملاقاتها؛ نسبت به سر نوشت شاه نیز نمی توانست بی تفاوت باشد

مناسب تمایل به سفر به امریکا داشت و بر اساس روابط پیشین انتظار داشت امریکاییها برای پذیرش وی متعهدانه و نه بر اساس مصالح و منافع رفتار کنند. متقابلاً نیروهای انقلابی در ایران در برابر حوادث و رخدادهای امنیتی نسبت به موجودیت نظام و انقلاب و نگرانی از تکرار تجربه کودتای ۲۸ مرداد و از طرفی ضرورت پی گیری اهداف انقلاب با محاکمه شاه به عنوان نماد و سمبل استبداد و وابستگی، رفتار و مواضع شاه و سیاستهای امریکا در برابر شاه و نیروهای طرفدار شاه را با حساسیت ویژه‌ای پی گیری می کردند و لذا بازگشت شاه به امریکا کاملاً واکنش برانگیز و نگران کننده بود.<sup>(۲)</sup>

امریکا بر اساس ملاحظات دوران جنگ سرد همچنان نگاه ویژه‌ای به ایران داشت در حالی که از مخاطرات سقوط شاه و گسترش انقلاب در ایران و منطقه نگران بود. لذا ضمن ایجاد، حفظ و گسترش کانالهای ارتباطی با دولت موقت، با ارتقا سطح ملاقاتها؛ نسبت به سر نوشت شاه نیز نمی توانست بی تفاوت باشد. اگر چه برای امریکاییها کاملاً روشن بود که پذیرش شاه واکنشهای غیر قابل پیش بینی در داخل ایران به دنبال خواهد داشت اما سایر ملاحظات از جمله فشارهای موجود در داخل امریکا، در نهایت کارتر را در مسیری قرار داد که شاه را پذیرفت و عملاً با حادثه تصرف سفارت امریکا ابتکار عمل را از دست داد و در سیر تحولات جدید منفعلی و تحقیر شد و شانس انتخاب مجدد به عنوان رییس جمهوری

آماده توسعه روابط اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی با دولت شما در حد آمادگی و درخواست شماست. وی در مورد جو ملاقات اضافه می کند: «ملاقات ما در محیط بسیار دوستانه‌ای پایان یافت و رفتار مخاطبین ایرانی من خیلی بیش از انتظار صمیمانه بود. من جریان این دیدار را بی درنگ به رییس جمهوری و ونس (وزیر خارجه وقت امریکا) گزارش دادم.»<sup>(۱)</sup>

بازتاب این ملاقات در تاریخ ۱۲ آبان سال ۱۳۵۸ در داخل کشور با توجه به دیدگاههای موجود نسبت به سیاستهای امریکا در برابر ایران و برداشتی که نسبت به ماهیت سیاستهای دولت موقت در برخورد با مسائل کشور از جمله رخدادهای امنیتی وجود داشت احساس ناخوشایندی را در مورد شکل گیری روابط ایران و امریکا بوجود آورد.<sup>(۱)</sup> که آثار آن بلافاصله در تصرف سفارت امریکا آشکار شد.

علاوه بر این حادثه و روندی که بر اثر توافق امریکا با دولت موقت برای ارتقاء سطح مناسبات ایران و امریکا در حال شکل گیری بود؛ پذیرش شاه توسط امریکا نیز حادثه دیگری بود که خشم عمومی را در جامعه ایران برانگیخت و معضل شاه برای امریکا، نیروهای انقلابی در ایران و امریکا معانی متفاوتی داشت. شاه در عین حالی که واقعیات را پذیرفته بود ولی هنوز با نیم نگاهی به تجربه بازگشت به ایران پس از نهضت ملی نفت، در جریان کودتای ۲۸ مرداد توسط امریکا و انگلیس و ضرورت درمان بیماری خود در یک محل

(۱) دکتر رجایی خراسانی سفیر پیشین ایران در سازمان ملل در میزگرد بررسی پیامدهای تصرف سفارت امریکا در دانشگاه علم و صنعت در مورد ملاقات بازرگان با برزیل می گوید: «اگر بازرگان با سیاست عمل می کرد و گوش به حرف امام می داد سفارت امریکا اشغال نمی شد. امام گفتند رابطه ما با امریکا رابطه گرگ و میش است و احتیاجی به رابطه نداریم. مهندس بازرگان باید رابطه با امریکا را قطع و سفارت را تعطیل می کرد. (روزنامه عصر آزادگان، ۱۳۲۴/۸/۱۳۲۸، ش ۳۲، ص ۲).

(۲) دکتر متقی در سخنرانی خود به نام چالشهای جمهوری اسلامی ایران و امریکا در روابط متقابل و نظام بین المللی به نقل از آنتونی بریل می گوید: دکترین دفاع بیش گیرنده گروگان گرفتن دیپلماتهای امریکایی به وسیله ایرانیان، امری مشروع و قابل توجیه بود زیرا که با توجه به رفتار و سابقه عملی ایالات متحده در برخورد با ایران و در روند کودتای ژوئیه ۱۹۵۳ (مرداد ۱۳۳۲) دولت ایران می توانست برای پیش گیری مجدد از نقض قانون بین المللی توسط امریکا با کودتای امریکایی دیگر، نسبت به انجام چنین عملی تصمیم گیری نماید. (منبع: ۱۹۸۵ و Francis Anthony Boyle: World politics and International Law)

افزایش دهد».<sup>۱۶</sup> این توضیحات نشان می‌دهد درک نسبتاً روشنی در امریکا و در سفارت امریکا در ایران نسبت به «مسأله شاه» و بازتاب و واکنشهای پذیرش وی در داخل ایران و تناقض این اقدام با سیاست امریکا برای نزدیکی به دولت موقت وجود داشته است. ولی عوامل دیگری منجر به نادیده گرفتن این ملاحظات شد. احتمالاً امیدواری امریکا به توانایی دولت موقت در مهار واکنشهای احتمالی ناشی از پذیرش شاه نقش مؤثری در اتخاذ این تصمیم داشته است. این اعتماد و امیدواری حاصل آزادسازی سفارت امریکا پس از اشغال اولیه آن توسط گروه چریکهای فدایی خلق<sup>(۱)</sup>، به وسیله دولت موقت بود. در عین حال در شهریور سال ۱۳۵۸، کاردار امریکا در تهران طی تلگرافی به «ونس» وزیر خارجه، استدلال کرد

امریکا را از دست داد.

شاه پس از ترک تهران و با وجود دعوت مکرر امریکا از وی؛ با توجه به رهنمودهای مشاورینش و انورسادات که معتقد بودند شانس بازگشت او به قدرت در صورت اقامت در خاورمیانه (محلی که او بتواند از نزدیک شاهد اتفاقات ایران باشد) بیشتر است، در مراکش ماند و به امریکا نرفت.<sup>۱۳</sup> شاه در حالی که در مراکش به سر می‌برد کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب طی مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ای.بی.سی گفت: «به این دلیل به امریکا نرفته است که ترجیح داده در منطقه بماند». او گفت: «خیال ندارد از تاج و تخت کناره‌گیری کند». وی اظهار داشت: «چرا باید کناره‌گیری کنم. من برای سامان دادن به اوضاع، کشورم را ترک کردم، اما

ظاهراً اقدام من نتیجه معکوس داده است».<sup>۱۴</sup> سفارت امریکا در تهران در گزارشی به وزارت امور خارجه متبوعش، در مورد سفر شاه به امریکا با اشاره به حملات انجام شده به سفارت مراکش و تهدید سفیر و ربودن وی می‌نویسد: «اگر سفر پیشنهادی شاه به امریکا تحقق یابد این وضع (بهبود حفاظت از سفارت امریکا در تهران) به سرعت تغییر خواهد یافت». وی اضافه می‌کند: «کارمندان امریکایی به این موضوع پی برده‌اند و هر یک از آنها منتظر نتیجه و حشتناک ناشی از سفر شاه به امریکا هستند».<sup>۱۵</sup> در امریکا نیز معاون وزیر امور خارجه امریکا در نامه به



نیوسام، مسئول امور خاور نزدیک وزارت امور خارجه، با توجه به تلاش برخی از اشخاص سرشناس در امریکا برای تهیه ویزای قانونی برای سفر شاه به این کشور نوشت: «پاسخ‌گویی به این درخواستها برخلاف منافع ماست که نزدیک شدن به دولت جدید را مد نظر دارد». وی در مورد تلاشهای اشرف، خواهر شاه، می‌نویسد: «اطلاعاتی که ما از یکی از پسرهای او به دست آورده‌ایم حاکی از آن است که اشرف امکان دارد از هیچ کوششی برای برگرداندن رژیم سابق چشم‌پوشی نکند». او در مورد نگرانی دولت موقت می‌افزاید: «دولت موقت ایران از این واهمه دارد که مبادا طرفداران شاه با پشتیبانی ما یک گروه ضد انقلابی تشکیل بدهند. ما نباید موقعیتی به وجود آوریم که این اتهامات را

(۱) در صفحات بعد در این زمینه توضیح داده خواهد شد.

## اگرچه برای امریکاییها کاملاً روشن بود که پذیرش شاه واکنشهای غیر قابل پیش بینی در داخل ایران به دنبال خواهد داشت اما سایر ملاحظات از جمله فشارهای موجود در داخل امریکا، در نهایت کارتر را در مسیری قرار داد که شاه را پذیرفت

در ایران به وجود آید. وضعیتی که آماده برای بهره برداری روسیه خواهد بود. علاوه بر اینها عامل دیگر در تصمیم گیری کارتر، عدم شناخت و یا شناخت غلط او از واقعتهای سیاسی ایران انقلابی بود. کارتر و دستیارانش به وعده های رهبران غیر مذهبی آنجا دل بسته بودند؛ به جای آن که بپذیرند که روحانیون مذهبی قدرت حقیقی را در دست داشتند. برای مثال کارتر و دستیارانش باور کرده بودند که دولت مهدی بازرگان می خواهد و می تواند به قول خود در مورد حفاظت از سفارت امریکا در ایران وفا کند و این باور علی رغم اخطارهای مکرر دیپلماتهای امریکا در ایران بود که اظهار می داشتند با پذیرفته شدن شاه در امریکا آن قولها نیز قابل تکیه کردن نیستند.<sup>۲۴</sup>

### تصرف سفارت امریکا

سفارت امریکا در تهران در آن زمان سایت مرکزی سیاسی - اطلاعاتی و امنیتی امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می شد. سفارت امریکا در تهران با داشتن ۱۴۰۰ کارمند پیش از انقلاب بزرگ ترین سفارت خاورمیانه محسوب می شد. این سفارت به مثابه شهری در قلب شهر تهران بود. شهرکی با سیستم آب و برقی جداگانه و با ذخیره غذایی بیش از یک سال.<sup>۲۵</sup> تعداد کل افراد شاغل داخل سفارت بالغ بر ۶۳ نفر بود که ۴۹ تن از آنان امریکایی بودند. این افراد شامل سطوح مختلفی از کارمندان سیا، کارمندان اداری، رنجرها و تفنگداران دریایی امریکایی، خدمه و آشپز می شد.<sup>۲۶</sup> برای امریکا، داشتن سفارت در تهران بسیار حایز اهمیت بود. لذا با وجود آن که بر اثر سیاستهای امریکا در حمایت از شاه و یا پذیرش شاه به امریکا نوعی نگرانی نسبت به جان کارمندان سفارت امریکا وجود داشت ولی حتی در آستانه پذیرش شاه به امریکا، دولت امریکا این راه حل را نپذیرفت که سفارتخانه را از افراد خود خالی کند.<sup>۲۷</sup> حال آن که سفارت امریکا پیش از این، یک بار نیز تصرف شده بود و احتمالاً باید این ملاحظه مورد توجه امریکاییها قرار می گرفت.

برای نخستین بار تنها سه روز پس از پیروزی انقلاب و دو روز پس از تعیین اولویتهای سیاست امریکا در ایران مبنی بر حفظ جان اتباع امریکایی؛ سفارتخانه امریکا توسط گروه مارکسیستی چریکهای فدایی خلق تصرف شد. این اقدام برابر گزارش روزنامه اطلاعات از ۱۰:۳۰ دقیقه صبح آغاز و پس از ۱۰ دقیقه یعنی در ساعت ۱۰:۴۰ دقیقه به پایان رسید.<sup>۲۸</sup>

پرشت، مدیر بخش ایران در وزارت امور خارجه امریکا، وارد ایران شد تا اعلام کند امریکا تصمیم گرفته است به دلایل بشردوستانه به شاه اجازه ورود به این کشور را بدهد. پرشت خواست تا دولت موقت، محافظت کافی را از تمامی پرسنل سفارت در قبال هر گونه اقدامی در مقابل انجام گروگان گیری فراهم آورد.<sup>۲۹</sup> به گفته پرشت، بازرگان و یزدی قول دادند که موجبات حفاظت سفارتخانه امریکا در ایران را فراهم آورند.<sup>۳۰</sup> کارتر نیز بعدها در اظهارات خود به عنوان دلیل موافقت با پذیرش شاه می گوید: «مسئولان امر در ایران قول داده اند از شهروندان ما در ایران حفاظت کنند».<sup>۳۱</sup>

آقای هاشمی بعدها با انتشار گزارش این ملاقات در نماز جمعه تهران در سال ۶۴ گفت: «همین امروز سندی خواندم که قدری غصه ام شد که اینها (لیبرالها) هم ارتباط قوی با امریکا دارند، چون کارتر در کتابی که منتشر کرده، نوشته است که وقتی که ما می خواستیم شاه را به امریکا ببریم، باریس دولت ایران صحبت کردیم و موافقت او را جلب کردیم و بعد به امریکا بردیم. من که این را خواندم دود از کله ام بالا رفت که چطور می شود ما عضو شورای انقلاب بودیم رهبر ما بالای سر همه ما بود و مسأله ای به این مهمی، در آن مقطع بدون اطلاع ما انجام بشود».<sup>۳۲</sup> درباره علت اجازه کارتر به ورود شاه به امریکا، ترنس اسمیت بر این نظر است که ملاحظات سیاسی خارجی مهمی در تصمیم کارتر دخالت داشته اند. مثلاً برقراری روابط با دولت جدید ایران در ست مانند از سرگیری جریان نفت قطع شده به غرب، یکی از این اولویتهای بود. همچنین این نگرانی وجود داشت که رژیم (امام) خمینی ممکن است سقوط کند و در نتیجه تجزیه و شکاف منطقه ای

(۱) آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه اختصاصی، با توجه به تئوریهای اوایل انقلاب و عامل مؤثر در حل معضل گروگانگیری می گوید: یک عقلانیتی حاکم بود و خیلی جاهای تعدیل می شد و حرکتها را معتدل می کردیم. اوایل انقلاب و قبل از این هم یکبار سفارت امریکاییها را گرفتند و آقای بهشتی مسأله را حل کردند. در پاسخ به این توضیح به ایشان گفته شد در اسناد لانه جاسوسی از وجود یک منبع امریکایی در کنار آقای یزدی در نخست وزیری و نقش وی در فعال کردن آقای یزدی سخن به میان آمده است که ایشان در توضیح مجدد گفتند: آقای بهشتی در حل مسأله اول مؤثر بودند. سندهای لانه خیلی نمی تواند مورد قبول باشد. (۱۳۷۹/۱۲/۱)

سفارت آمریکا در این مرحله با کمک دولت موقت، از دست متصرفان آزاد<sup>(۱)</sup> و مجدداً در اختیار امریکاییها قرار گرفت. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز این حرکت دولت موقت در واشنگتن منجر به افزایش اعتبار آنها شد.<sup>۲۹</sup> مهندس بازرگان نیز در مصاحبه با نیوزویک چاپ آمریکا در مورد این حادثه گفت: «من خیلی متأسفم از آنچه اتفاق افتاد. ما امیدواریم بتوانیم همه چیز را تحت کنترل در بیاوریم تا این گونه حملات بار دیگر رخ ندهد. در این مورد اقدام فوری به عمل آمد و ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در ایران، شخصاً به خاطر اقدام سریعی که در این مورد صورت گرفت، از ما تشکر کرد.» وی در مورد بهبود روابط ایران و آمریکا گفت: «ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم روابط

«امیرانتظام» آمده است، در ملاقات به وی گفته شد: آمریکا علاقه مند است روابط خود را با ایران به حالت عادی برگرداند و علی‌رغم تغییرات انقلابی که در ایران به وقوع پیوسته، منافع مشترک می‌تواند پایه‌های روابط خوبی در آینده باشد. استقلال، ثبات، تمامیت ارضی و پیشرفت اقتصادی ایران برای ما دارای اهمیت شایانی است.<sup>۳۳</sup>

ارزیابی امریکاییها از تحولات داخلی ایران این بود که «رهبران جدید ایران هنوز کنترل خود را بر اوضاع تثبیت نکرده‌اند و ترکیب آینده باعث نگرانی است».<sup>۳۴</sup> و به گفته ترنر، رییس وقت سازمان سیا، در صورت ادامه بحران کنونی در ایران گروههای چپگرا حکومت این کشور را به دست خواهند گرفت. وی افزود حکومت ایران بین دو قطب قرار گرفته است. از یک سو دولت بی طرف بازرگان و از سوی دیگر مذهبیهای متعصب؛ وی بر این نظر بود که احتمال پیروزی چپگرایان زیاد است.<sup>۳۵</sup> در یکی از گزارش‌های ارسالی از سوی سفارت آمریکا در تهران به واشنگتن با امضای سولیوان آمده است: «مسئله مهم سیاسی در یک ماه یا شش هفته آینده، احتمالاً مشخص کردن نوع حکومت جمهوری اسلامی ایران است. چپها و عده زیادی از میانه‌روها از اظهارات (امام) خمینی راجع به بنیاد اسلامی برای جمهوری اسلامی ناراضی هستند. وضع نیروهای مسلح و روابط ارتش و سپاه پاسداران مشکل حل‌نشده دومی است که دولتمردان جدید ایرانی و کسانی که مایلند انقلاب اسلامی را کنترل کنند با آن مواجه‌اند».<sup>۳۶</sup>

در پایان این گزارش آمده است: در کوتاه مدت احتمالاً بی‌ثباتی امنیت در ایران ادامه خواهد داشت.<sup>۳۷</sup>

مجدداً تحت شرایط جدید، اندیشه تصرف سفارت

## درک نسبتاً روشنی در آمریکا و در سفارت آمریکا در تهران نسبت به مسئله پذیرش شاه در آمریکا و بازتاب و بروز واکنشهای احتمالی در داخل ایران و تناقض این اقدام با سیاست آمریکا برای نزدیکی به دولت موقت بازرگان وجود داشته است

دوستانه را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ نمایم<sup>۳۰</sup>، جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا در پاسخ به اظهارات مهندس بازرگان و اقدام دولت موقت در مورد تصرف سفارت آمریکا گفت: «دولت جدید ایران ابراز تمایل کرده است که روابط نزدیک و دوستانه تری با آمریکا داشته باشد. وی اضافه کرد: آمریکا تلاش می‌کند با برقراری یک سری روابط جدید از جمله روابط امنیتی جدید - احتمالاً در آینده - منافع خود را حفظ کند».<sup>۳۱</sup> در همین روند سایر روس و نس، وزیر خارجه آمریکا، با شه‌ریار روحانی<sup>(۱)</sup>، نماینده ایران در نیویورک، دیدار و ضمن ابراز تمایل برای همکاری میان دو کشور اعلام کرد وجود یک ایران نیرومند، مستقل و باثبات را به نفع آمریکا ارزیابی می‌کند.<sup>۳۲</sup> همچنین در گزارش سفارت آمریکا در مورد موضوع ملاقات با معاون نخست‌وزیر

(۱) شه‌ریار روحانی، داماد دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه وقت دولت موقت بود.



امریکا به عنوان یک حرکت خودجوش دانشجویی در واکنش به سیاستهای امریکا علیه ایران در اوایل آبان سال ۱۳۵۸ شکل گرفت<sup>۳۸</sup> و برای نخستین بار در شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت از سوی نماینده سازمان و دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف مطرح شد.<sup>۳۹</sup> بعدها ابراهیم اصغرزاده در گفت و گو با اسکات مک لئود، صریحاً اظهار داشت من برای نخستین بار می گویم، این فکر<sup>(۱)</sup> (تصرف سفارت امریکا) را من طراحی کردم،<sup>۴۰</sup> مشکلات بسیاری در مسیر این اقدام وجود داشت و شاید به همین دلیل مورد مخالفت هم واقع شد.<sup>۴۱</sup> ولی تدریجاً با بررسیهایی که انجام شد ضرورت این اقدام منجر به تهیه مقدمات آن شد. در این مسیر موضوع از سوی دو تن از دانشجویان احمد سیف الهی و اصغرزاده با حجت الاسلام خوئینی ها و محسن رضایی فرمانده وقت واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه مطرح شد.<sup>۴۲</sup> این انتظار وجود داشت موضوع از طریق آقای خوئینی ها به

دهد.<sup>۴۳</sup> در تاریخ ۱۰ آبان امام در پیامی به مناسبت سالگرد حماسه خونین دانشجویان و دانش آموزان نوشت: «بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه امریکا و اسرائیل گسترش داده و امریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند». «پیام امام این گمان را در دانشجویان تقویت کرد که بیانات امام ناشی از آگاهی نسبت به طرح دانشجویان از طریق حجت الاسلام خوئینی ها بود و امام با این پیام جواز تسخیر سفارت امریکا را صادر فرموده اند. حال آن که آقای خوئینی ها فرصت نکرده بود موضوع را برای امام بازگو نماید.<sup>۴۵</sup> با این پیام اراده دانشجویان تقویت و مقدمات تصرف سفارت امریکا فراهم شد و پس از حرکت دانشجویان به سمت سفارت امریکا و محاصره آن، در یک حرکت غافلگیر کننده تظاهر کنندگان وارد محوطه سفارت امریکا شدند و تدریجاً بر اساس برنامه و سازمان دهی قبلی سفارت امریکا به



استحضار امام برسد. وی گفته بود اگر چه فکر می کند امام در اصل با اقدام آنها موافق است اما از این که مستقیماً موضوع را با ایشان در میان بگذارد اصرار دارد چون ممکن است برای امام به عنوان رهبر و عالی ترین مقام انقلاب دشوار باشد موافقت خود را آشکارا اعلام کند. بر اثر اصرار دانشجویان، آقای خوئینی ها قول داد در زمان مقتضی مسأله را به امام اطلاع

تصرف دانشجویان در آمد. بلافاصله موضوع با تلفن به آقای خوئینی ها اطلاع داده شد و ایشان در محل سفارت حضور پیدا کردند. در تماس با دفتر امام در قم اصل جریان به مرحوم حاج احمد آقا اطلاع داده شد و آقای خوئینی ها از حاج احمد آقا درخواست کرد تا نظر امام را جویا و اطلاع دهند. پس از چند دقیقه حاج احمد آقا تماس گرفته و از قول امام فرمودند:

(۱) آقای هاشمی در یک مصاحبه اختصاصی در مورد اشغال لانه جاسوسی می گوید: اشغال لانه جاسوسی کار سیاستمداران نبوده و آقایانی که این کار را کردند در ارتباط با امام بودند، امام هم بلافاصله تأیید کردند؛ مردم هم تأیید کردند. ایشان همچنین اضافه می کند: اشغال لانه جاسوسی که اتفاق افتاد من در جریان لانه جاسوسی به آن شکل نبودم. این را می دانم که حضرت آیت الله خامنه ای هم نبودند. به این وسیله که ما مکّه بودیم، آخر شب در پشت بام خانه ای در مکّه نشستیم بودیم که از رادیو شنیدیم در اینجا لانه جاسوسی را اشغال کردند و زود برگشتیم. (مصاحبه اختصاصی ۱۳۷۹/۱۰/۲۷)

## سفارت امریکا در تهران با داشتن ۱۴۰۰ کارمند، پیش از انقلاب بزرگ‌ترین سفارت امریکا در خاورمیانه محسوب می‌شد، این سفارت به مثابه شهری در قلب شهر تهران بود و شهرکی با سیستم آب و برقی جداگانه و با ذخیره غذایی بیش از یک سال بود

امام تحت شرایط جدید با استعفای دولت موقت<sup>(۳)</sup> موافقت و طی پیامی امور کشور را به شورای انقلاب واگذار کردند:

«شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال و نیز شورا مأموریت در اجرای امور زیر را بدون مجال دارد:

- (۱) تهیه مقدمات قانون همه‌پرسی قانون اساسی؛
- (۲) تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای اسلامی؛
- (۳) تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهور.

لازم به تذکر است که با اتکا به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان باید امور محوله را خصوصاً آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان، به طور انقلابی و قاطع عمل نمایند.<sup>۴۸</sup>

در حالی که تصور می‌شد مدت تصرف سفارت امریکا بین ۵ تا ۷ روز طول بکشد ولی به دلیل استقبال زیادی که صورت گرفت<sup>(۴)</sup> به ویژه با حمایت علنی امام<sup>۴۹</sup>، در برنامه‌ها تجدید نظر شد.<sup>۵۰</sup> و هرگز تصور نمی‌شد این اقدام

«بچه‌ها نگران نباشند، جای بسیار خوبی را گرفته‌اند حالا نکند یک وقت ول کنند بیایند بیرون».<sup>۴۶</sup>

### پیامدهای تصرف سفارت

انتشار خیر تصرف سفارت امریکا و سپس حمایت امام<sup>(۱)</sup> از این اقدام منجر به بازتاب و وسیع در جامعه و حمایت و استقبال از این حرکت شد. تجمع مردم در اطراف سفارت امریکا و شور و هیجان بسیار زیادی که از خود نشان می‌دادند زمینه‌های پیدایش شرایط جدید سیاسی-اجتماعی را در کشور فراهم کرد. اعلام استعفای دولت موقت تنها یک روز پس از تصرف سفارت امریکا به منزله سقوط دولت موقت ارزیابی شد.<sup>(۲)</sup> مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب در دو حرکت» در مورد این حادثه می‌نویسد:

«دولت موقت که از نظر مسئولیت اداری و سیاسی مملکت و حفظ حقوق نمایندگان و اتباع خارجی بر طبق تعهدات بین‌المللی، نمی‌توانست مخالف این عمل نباشد و چون قبلاً تصمیم به استعفا گرفته بود، هیچ‌گونه اعلامیه‌ای صادر نکرد».<sup>۴۷</sup>

(۱) بعدها امام با دفاع از اقدام دانشجویان در پیام به زائران بیت‌الله الحرام فرمودند: «باها گفته‌ام که گروگان‌گیری توسط مسلمان مبارز و متعهدها عکس العمل صدماتی است که ملتها از امریکا خورده است و اینان فعلاً با باز پس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما، آزاد می‌گردند که البته این امور را محول به مجلس اسلامی نموده‌ام تا آنان به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل نمایند». (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۴).

(۲) مهندس بازرگان در کتاب انقلاب ایران در دو حرکت می‌گوید: «بعداً گروه‌های چپی و افراطی مخالف اصرار داشتند که استعفای دولت موقت را سقوط دولت موقت بنامند و معلول گروگان‌گیری و افشاگری بدانند در حالی که روز قبل از اشغال سفارت استعفا به تصویب هیئت دولت رسیده و دو هفته پیش از آن به شورای انقلاب گزارش شده بود و عمل گروگان‌گیری دانشجویان کوچک‌ترین تأثیری در تصمیم دولت موقت و تقدیم استعفای قطعی برای امام را نداشت».

(۳) آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران در این مورد می‌گوید: «اولین ضربه‌ای که آنها می‌خواستند بزنند، انحلال دولت موقت بود. فکر می‌کردند که وقتی دولت موقت منحل شود دیگر رژیم یک دفعه از هم می‌پاشد چون کسی نیست که کارها را بر عهده بگیرد هنوز استعفا به دست امام نرسیده بود که امام فرمودند خوب شد، استعفا را قبول کنید... شاید دیگران فکر می‌کردند که بعد از استعفا یک دفعه مردم در خیابانها می‌ریزند و آن حرفهای روز اول انقلاب شروع می‌شود، شاید در این فکر بودند» (خطبه‌ها و جمعه‌ها، جلد چهارم، حزب جمهوری اسلامی، دی ماه ۱۳۶۲، تهران، ص ص ۳۴۸-۳۴۹).

(۴) در میزگرد بررسی پیامدهای تسخیر لانه جاسوسی امریکا در دانشگاه علم و صنعت سعید رجایی خراسانی نماینده پیشین ایران در سازمان ملل طی سخنانی استقبال مردم را به دلیل فروکش کردن هیجانات انقلاب ذکر کرد و گفت اگر مردم دچار سرخوردگی و دلسردی نشده بودند، شاید چنین استقبالی از این واقعه نمی‌شد. عباس عبدی از دانشجویان شرکت کننده در تصرف سفارت امریکا با توجه به این اظهارات و شائبه پیشمانی از تصرف سفارت امریکا و اظهارات رجایی خراسانی گفت: چه کسی گفته ما پیشیمان هستیم و آمده‌ایم عذر خواهی کنیم. ما غلط کرده باشیم که بخواهیم مطالب آقای خراسانی را تأیید کنیم... اگر کسی بگوید اشغال سفارت غلط بود اراده یک ملت را نقض کرده این اراده چه درست باشد چه غلط مردمی که اراده خودشان را نشان ندهند نمی‌توانند اراده‌شان را اصلاح کنند حتی اگر غلط باشد. (روزنامه عصر آزادگان، ۲۶/۷/۷۸، ص ۹).



**در اوایل آبان، هنری پرشت،  
مدیر بخش ایران در وزارت امور خارجه امریکا،  
وارد ایران شد تا اعلام کند امریکا تصمیم گرفته است  
به دلایل بشردوستانه به شاه اجازه ورود به این کشور را بدهد؛  
پرشت خواست تا دولت موقت، محافظت کافی را  
از تمامی پرسنل سفارت در قبال هر گونه اقدامی  
در مقابل انجام گروگان گیری فراهم آورد**

حتی یک دستور از واشنگتن صادر شده بود به سفارت امریکا در ایران که ائتلاف میان بعضی از روحانیون و ژنرالهای ایرانی طرفدار امریکا را تسریع کنند<sup>۵۳</sup> یعنی می خواستند سفارت امریکا زمان این ائتلاف را جلو ببرد<sup>۵۴</sup>. در مورد این ائتلاف رییس پایگاه سیا در تهران زونالدسی پکوس، در تاریخ ۵/۸/۷۷ و تنها پنج روز قبل از تصرف سفارت امریکا به رییس سازمان می نویسد: «شما (ترنر رییس سیا) از من خواستید که در یک فرصت راجع به امکانات اعمال نفوذ در جریان امور اظهار نظر کنم؛ من نظر خود را فقط به طور حاشیه ای و جزئی و تازمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی می کند اعلام می کنم و این هم مرحله ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما بر می آید و من هم، اکنون درگیر آن هستم این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره های دینی میانه رو و سران ارتشی متمایل به غرب را شناسایی کرده، آماده حمایت از آنها شویم». این توضیح ناظر بر این معناست که امریکا به موازات نزدیکی به دولت موقت به دنبال سامان دهی یک ائتلاف جدید در ایران به عنوان ایجاد زمینه های تثبیت اوضاع به نفع امریکا و بازگشت مجدد امریکا به ایران بوده است. امام نیز با توجه به اسناد به دست آمده از سفارت امریکا می گوید: «ما هرگز احتمال نمی دادیم که یک سفارت مرکز جاسوسی باشد و جوانهای ما اگر این احتمال را دادند و رفتند؛ آن غیر از آنی است که من احتمال بدهم، من احتمال این مطلب را هرگز نمی دادم»<sup>۵۵</sup>.

همچنین نحوه واکنش امریکا در برابر تصرف سفارت امریکا تأثیرات خاص خود را در تداوم گروگان گیری بر جای نهاد چنان که اصغر زاده می گوید: «در این مرحله تحت تأثیر

اعتراض آمیز چنین تأثیر عمیقی بر تاریخ سیاسی کشور و منطقه داشته باشد.<sup>۵۱</sup> دانشجویان در اولین اطلاعیه با نام «دانشجویان مسلمان پیر و خط امام» هویت سیاسی جدیدی را در چارچوب تفکر و اندیشه امام مطرح کردند. در این اطلاعیه در مورد علت تصرف سفارت امریکا نوشته شد:

«اعتراض به امریکا جهت پناه دادن و استفاده از شاه جنایتکاری که قاتل دهها هزار زن و مرد به خون خفته در این مملکت است اعتراض به امریکا به علت فشار تبلیغاتی مسموم و انحصاری و کمک و حمایت از افراد ضد انقلابی علیه انقلاب اسلامی ایران اعتراض به امریکا است به خاطر توطئه ها و دسیسه های ناجوانمردانه اش در مناطق مختلف کشور ما و نفوذ در ارگانهای اجرایی کشور اعتراض به امریکا به دلیل نقش مخرب و خانمان برانداز خود در برابر رهایی خلقهای منطقه از دام امپریالیسم که هزاران هزار انسان مؤمن و انقلابی را به خاک و خون می کشد»<sup>۵۲</sup>.

پس از تصرف سفارت امریکا، انگیزه های اولیه متأثر از روند حوادث و سایر ملاحظات تدریجاً تغییر کرد. دست یابی به اسناد موجود در سفارت امریکا در این میان نقش بسیار مهمی داشت اصغر زاده در این مورد می گوید: «من اگر به شما بگویم که قبل از حادثه سفارت امریکا و حتی قبل از انقلاب، امریکا قصد داشت پولهای ایران را بلوکه بکند شما باور می کنید؟ ما سند آن را به دست آوردیم. یعنی بیش از اندازه کاخ سفید در امور داخلی ایران، دخالت کرده بود. به نظر می رسید امنیت ما خیلی جدی به خطر افتاده بود ... در اسناد کاملاً مشخص است که سفارت امریکا تلاشهای زیادی را برای نزدیک شدن به برخی روحانیون در قم و برخی ژنرالهای نظامی برای ایجاد یک ائتلاف ضد حکومت ایران کرده بود و

اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۸۴

۱۸. جیمز بیل، عقاب و شیر، ترجمه: فروزنده برلیان، تهران، نشر فاخته ۱۳۷۱، ص ۳۹۶.

۱۹. گری سبک، عضو شورای امنیت ملی امریکا در زمان کارتر، گفتگو با بیژن پورخویی، فصلنامه گفتگو، تابستان ۷۶، ش ۱۶، ص ۷۲.

۲۰. توماس م. ویکس، همان، ص ۷۳-۷۴.

۲۱. ترنس اسمیت، همان، ص ۵۳-۵۴.

۲۲. جیمز بیل، همان، ص ۳۹۶.

۲۳. آقای هاشمی رفسنجانی خطبه‌های نماز جمعه سال ۶۴ ج ۸، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، چاپ اول تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۵-۱۲۴.

۲۴. ترنس اسمیت، همان، ص ۴۹-۴۷.

۲۵. یاسین حکیمی، لانه شیطان در تسخیر فرزندان روح الله، هفته نامه یالثارات، ۷۹/۸۱۱، ش ۱۲۰۲، ص ۷.

۲۶. همان، ص ۷.

۲۷. ترنس اسمیت، همان، ص ۴۹-۴۸.

۲۸. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۷۲۵، ص ۱۲۵.

۲۹. همان، ص ۱۲۷.

۳۰. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۲۳، ص ۱۹۰.

۳۱. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۲۸، ص ۲۳۰.

۳۲. همان.

۳۳. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۷۲۰، ص ۶۱۷-۶۱۸.

۳۴. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۷۲۵، ص ۱۲۷، به نقل از مقام امریکایی.

۳۵. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۷۲۷، ص ۳۸۴.

۳۶. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۲/۱۳، ص ۲۷۹.

۳۷. همان.

۳۸. دکتر محسن رضایی، مصاحبه با روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۷۸، ص ۸.

۳۹. یاسین حکیمی: همان، ص ۷.

۴۰. روزنامه عصر آزادگان، ۲۰ آبان ۱۳۷۸، ش ۲۹، ص ۵.

۴۱. یاسین حکیمی، همان، ص ۷.

۴۲. همان، ص ۷.

۴۳. دکتر معصومه ابتکار، تسخیر، ترجمه و ویراستار: فریبا ابتهاج شیرازی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۷۴.

۴۴. یاسین حکیمی، همان، ص ۷.

۴۵. همان.

۴۶. همان، ص ۷.

۴۷. مهندس مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ناشر مهندس مهدی بازرگان، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۳، ص ۹۵-۹۴.

۴۸. مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، ص ۶۸.

۴۹. عباس عبدی، گفتگو با شبکه N.B.C امریکا، روزنامه عصر آزادگان، ۱۶ آبان ۱۳۷۸، ش ۲۵، ص ۵.

۵۰. ابراهیم اصغرزاده، گفتگو با اسکات مک لئود، روزنامه عصر آزادگان، ۲۰ آبان ۱۳۷۸، ص ۵.

۵۱. معصومه ابتکار، همان، ص ۴۲.

۵۲. لانه یاسین حکیمی، همان، ص ۷.

۵۳. اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵۵، چاپ اول، تهران، مرکز نشر لانه جاسوسی ۱۳۶۵، ص ۳۱.

۵۴. گفتگو با اسکات مک لئود، روزنامه عصر آزادگان، ۲۰ آبان ۱۳۷۷، ص ۵.

۵۵. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۰۷.

۵۶. روزنامه عصر آزادگان، ۲۰ آبان ۱۳۷۸، ص ۵.

عوامل زیاد بین المللی و داخلی قرار گرفتیم و خیلی طبیعی بود که بحران به حدی پیچیده شد و شرایط سختی پیش آمد که مابه تنهایی نمی توانستیم تصمیم بگیریم. شاید اگر به جای آقای کارتر، آقای کلینتون یا گروه جدید در کاخ سفید بودند و با موضوع دیپلماتیک برخورد می کردند، خیلی زودتر آن حادثه تمام می شد. ما تقاضای خیلی ساده ای داشتیم، درست همان چیزی که در برابر پینوشه انگلستان قرار دارد.<sup>۵۶</sup>

نظر به این که برای یک انقلاب، استقرار نظام جدید با تکیه بر مؤلفه های درونی بیشتر از سایر ملاحظات از جمله مناسبات خارجی اهمیت دارد، و می توان نتیجه گرفت در مجموع تصرف سفارت امریکا پیامدهای مثبت و اساسی در تثبیت انقلاب و نظام برآمده از انقلاب داشت.

#### یادداشتها

۱. دکتر ابراهیم یزدی، هفته نامه پیام هاجر، ش ۳۹۶، سه شنبه ۲۳ آذر ۱۳۷۸، ص ۴.

۲. مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، ص ۲۹۰.

۳. مصاحبه اختصاصی نویسنده با دکتر ابراهیم یزدی، پاییز ۱۳۷۸.

۴. مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، ص ۲۹۰.

۵. مصاحبه با روزنامه عصر آزادگان، پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۸، ش ۲۴، ص ۳.

۶. مصاحبه اختصاصی نویسنده با دکتر یزدی، پاییز ۱۳۷۸، ص ۸۶.

۷. مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، ص ۶۵.

۸. روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۸۷، مردی که نمی خواست انقلابی باشد، ص ۸.

۹. همان.

۱۰. روزنامه کیهان، ۸۰/۸۷، ص ۸، به نقل از کتاب توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرفی، ص ۷۲.

۱۱. هفته نامه پیام هاجر، ش ۲۹۶، (۸۰/۸۷).

۱۲. همان، ص ۸، به نقل از کتاب توطئه در ایران ترجمه محمود مشرفی، ص ۱۷۳.

۱۳. ترنس اسمیت، امریکادر اسارت، گرد آورنده ادوارد کلن، مترجمین: پوران خاور، سرود طلیعه، تهران: انتشارات قلم، زمستان ۱۳۶۲، صص ۲۹-۳۰.

۱۴. پیدایش نظام جدید، گزارش ۱۳۵۷/۱۲/۱۶، ص ۳۰۶.

۱۵. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۲/۲۰، ص ۳۳۰.

۱۶. همان، گزارش ۱۳۵۷/۱۲/۲۹، ص ۷۰۳.

۱۷. توماس م. ویکس، سیاست قدرت و فرهنگ سیاسی: ایران و امریکا، فصل نامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، بخش ویژه ایران و امریکا، ش